

()
() :

دکتر غلامرضا تاجبخش^۱ و عباس موسوی^۲

تاریخ وصول: ۹۳/۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۸

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر سوسنگرد انجام شده‌است. پژوهش حاضر به صورت پیمایشی؛ و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، و استفاده از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته دارای اعتبار محتوا و پایایی مطلوب، صورت گرفته‌است. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر سوسنگرد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بوده و حجم نمونه برابر ۲۹۰ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که، از میان ابعاد نگرش دینی، میانگین بعد احساسی با مقدار ۱۵/۸۹ بالاتر از سایرین است و بعد رفتاری و ذهنی به ترتیب با میانگین ۱۳/۱۹ و ۱۱/۷۸ در مراتب بعدی اولویت قرار دارند؛ همچنین، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین استفاده مذهبی از وسایل ارتباط جمعی، شرکت در مراسم مذهبی، میزان درآمد خانواده، بعد خانوار، سطح دینداری دوستان دانش‌آموز، و طبقه‌ی اجتماعی با نگرش دینی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما بین سطح تحصیلات والدین و نگرش دینی رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. با این همه؛ بین سطح امکانات خانواده و نگرش دینی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که بین میانگین نگرش دینی بر اساس نوع وسیله‌ی ارتباط جمعی تفاوت معناداری وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: نگرش دینی، آگاهی دینی، شرکت در مراسم مذهبی، وسایل ارتباط جمعی، دانش‌آموز

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره) (نویسنده‌ی مسئول)
tjrbakhsh_gr@yahoo.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)
Mosaviabas280@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

دین بعنوان یکی از نهادهای اجتماعی در تعامل با سایر نهادها و حوزه‌های اجتماعی است که در جامعه‌ی ایران به دلیل ساختار حاکم، این تعامل بسیار بیشتر است و وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مجدداً موجب پررنگ‌تر شدن این تعامل شده است (کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹: ۱۰۲). ماهیت نظام‌های آموزشی و تعلیم و تربیت کشورهای مختلف، استراتژی‌ها و برنامه‌های آموزشی متفاوتی را به منظور جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان فراهم می‌آورد. نقش این نظام‌های آموزشی، تعلیم و تربیت نیروهای انسانی متعهد و دارای تفکر مذهبی و ایمان دینی است.

فارغ از کم و کیف و نوع آموزش رسمی در سیستم تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان تحت یک نظام تربیتی قرار می‌گیرند، اما نوع نگاه و آگاهی آنان از مسائل دینی با هم متفاوت است. این تفاوت در درجه‌ی نخست ناشی از نوع تربیت خانوادگی، سپس نوع شخصیت دانش‌آموز و در انتها به علت تأثیر عوامل مختلف درون آموزشی و برون آموزشی بر اندیشه‌ی آنان است.

عصر حاضر که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، صنعتی‌شدن جوامع، تنوع و کثرت نیازها و انفجار اطلاعات است، دایره‌ی تأثیرگذاری عوامل مختلف را بر افکار و اندیشه‌های دینی دانش‌آموزان وسیع‌تر از گذشته کرده است. اگر در گذشته دانش‌آموز تنها با مدرسه و خانواده‌ی خود در ارتباط بود و تعامل وی با جهان خارج چندان معنی‌دار نبود، اما امروزه وی در جهانی پر از تأثیر و تأثر متقابل به سر می‌برد (تنهایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در واقع این دانش‌آموزان هستند که می‌توانند طی فرایند آموزش و پرورش به دور از انحرافات و مسائل مختلف اجتماعی و روانی به کسب دانش و مهارت‌های لازم بپردازند و ایفاگر نقش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی در جهت خیزش به سمت توسعه باشند. از طرفی سستی و تضعیف تدین دانش‌آموزان می‌تواند زمینه‌ی بروز مسائل و انحرافات مختلف اجتماعی و روانی در میان نوجوانان و جوانان گردد. دانش‌آموزان بعنوان مدیران و آینده‌سازان جامعه، به سبب احراز موقعیت‌های خاص اجتماعی می‌توانند نقش الگویی (گروه مرجع) را در آینده ایفا نمایند؛ بنابراین اندیشه‌ی تربیت دینی دانش‌آموزان همیشه جزء برنامه‌های مسئولین و اولیای دانش‌آموزان بوده است.

در اینجاست که نقش آموزش و پرورش در توسعه‌ی آموزش دینی دانش‌آموزان اهمیت پیدا می‌کند. «بنابر تحلیل‌های نظری، در جوامع در حال گذار (از جمله ایران) دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای است» (کشاورز و جهانگیری، ۱۰۲)؛ و از سویی چون شناخت علمی و درستی در این زمینه وجود ندارد، محقق در پژوهش حاضر با هدف تعیین و تشخیص چگونگی نگرش‌های دینی دانش‌آموزان، به دنبال بررسی علمی آن است؛ بنابراین سئوالات تحقیق پژوهش حاضر عبارتست از: نگرش‌های دینی دانش‌آموزان چگونه است و عوامل مؤثر بر آن کدامند؟ عوامل اجتماعی چه نقشی در شکل‌گیری و جهت‌دهی نگرش‌های دینی دانش‌آموزان دارند؟ میزان اثرگذاری هر کدام چقدر است؟ از این‌رو، اهداف تحقیق عبارتند از: ۱- شناخت سطح نگرش دینی دانش‌آموزان در هر یک از ابعاد تشکیل‌دهنده‌ی آن؛ ۲- شناسایی عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ی نگرش دینی در میان دانش‌آموزان؛ ۳- ارائه‌ی راهکارهایی در جهت بهبود و ارتقاء سطح نگرش دینی دانش‌آموزان با توجه به پیامدها و چالش‌ها.

چارچوب نظری پژوهش

در مطالعه‌ی حاضر از نظریاتی که فیش باین و آیزن، برای اولین بار جهت اندازه‌گیری نگرش، مفهوم‌سازی کرده‌اند استفاده شده است. با استنباط از این نظریه‌ها، نگرش دینی در سه بعد رفتاری، شناختی و احساسی، مورد توجه است. علاوه بر سنجش میزان نگرش دینی دانش‌آموزان به طور کلی، لازم بود تا عوامل مهم و مؤثر بر نگرش دینی نیز سنجیده شود. همچنین با توجه به گستردگی عوامل تأثیرگذار بر دین و نگرش‌های دینی، در پژوهش حاضر، تلفیقی از نظریات وبر، هالامی و آرگایل برای تبیین موضوع استفاده شده است.

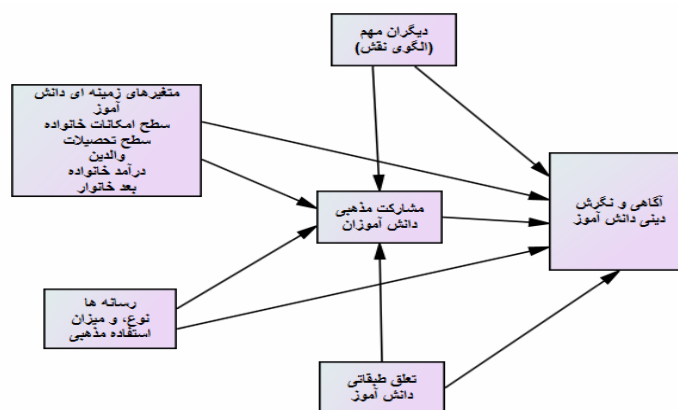
وبر در تحقیقاتش در مورد ادیان جهانی در ارتباط بین مذهب و قشربندی اجتماعی (وابستگی به طبقات اجتماعی) به دو نتیجه‌ی مهم دست یافت: اول اینکه در تاریخ این ادیان (مسیحیت، اسلام، هندوئیسم، بودائیسم، یهودیت، کنفوسیوس و تائوئیسم) یک رابطه‌ی آشکار و واضح بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تمایل به پذیرش جهان‌بینی‌های دینی مختلف وجود دارد. ثانیاً واقعیت این است که نمی‌توان نگرش مذهبی را به سادگی با توجه به قشربندی اجتماعی تعیین کرد. استدلال وبر این است که طبقات اجتماعی هر کدام دارای نیازها و تجارب متفاوتی هستند، فلذا به تبع این نیازها و تجارب، جهت‌گیری

مذهبی متفاوتی را دنبال خواهند نمود (اسواتوس^۱، ۱۹۹۸: ۷۵؛ به نقل از کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹: ۱۰۵). از نظر وبر مأموران حکومتی و دیوان سالاران گرایش چندانی به دین ندارند و به حفظ نظم و امنیت توجه دارند و دین را وسیله‌ی سودمندی می‌انگارند. نمونه‌ی این گروه، طبقه‌ی مدیران تحصیل‌کرده‌ی کنفوسیوسی است. قشر روشنفکران آخرین گروه اجتماعی است که وبر در مورد جهت‌گیری مذهبی آن‌ها بحث کرده است. روشنفکران چون از زمینه‌های اجتماعی متفاوت برمی‌خیزند و معمولاً از طبقه‌ی ممتاز یا طبقه‌ی متوسط سرچشمه می‌گیرند و به همین ترتیب، سهم آن‌ها در اندیشه‌های مذهبی متفاوت است (کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

به اعتقاد هالامی و آرگایل^۲؛ تفاوت‌های سنی، جنسی، وضعیت سواد والدین و موقعیت اجتماعی افراد بر روی میزان دینداری آن‌ها تأثیر بسزایی دارند و باید بعنوان بااهمیت‌ترین متغیرها در توجیه مذهبی بودن افراد مد نظر قرار گیرند؛ همچنین آن‌ها معتقدند خانواده بر روی اعضاء توجه خاصی دارد چنانکه از نظر آن‌ها خانواده بر روی اعضاء و چگونگی شکل‌گیری هویت افراد زیرمجموعه‌اش تأثیر بسزایی دارد. از نظر ایشان، انتقال بین نسلی بر اعتقادات و عقاید افراد تأثیر می‌گذارد، زیرا عامل مهمی در شکل‌گیری هویت فرد است. دیگران مهم و بویژه والدین بر رشد همه‌ی شناخت‌های اعضاء خانواده تأثیر می‌گذارد چنانکه افراد مذهبی غالباً با یک هویت خاص متولد می‌شوند. از نظر ایشان، فرزندان از وابستگی گروهی (دین، طبقه و قومیت) قبل از اینکه مجموعه‌ی خاصی از اعتقادات را کسب کنند، آگاه می‌شوند. در ابتدا آن‌ها یاد می‌گیرند که مسلمان هستند یا تعمیدگرا یا کاتولیک رومی و بعداً از اعتقادات خاصی حمایت می‌کنند، سپس این اعتقادات والدین به طور آگاهانه بعنوان جزئی از انتقال هویت به فرزندان منتقل می‌شوند. انتقال دورن خانوادگی از دیگران مهم مانند آموزش رسمی، گروه‌های رقیب و گروه همالان مهم‌تر هستند (هالامی و آرگایل، ۱۹۹۷: ۱۰۳-۹۸؛ به نقل از کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

¹ Swatos

² Hallami & Argyle



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

طالبان (۱۳۷۸)، در تحقیقی تحت عنوان «خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی» به بررسی نقش خانواده، دانشگاه و تحصیلات بر جامعه‌پذیری مذهبی نوجوانان پرداخته است که با توجه به چارچوب نظری تحقیق انتظار داشته است؛ اولاً دینداری نوجوانان خانواده‌های تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی کمتر از سایر خانواده‌های با تحصیلات کمتر و بی‌سواد باشد؛ ثانیاً در خانواده‌های تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی فشار هنجاری والدین نسبت به انجام مناسب مذهبی فرزندان نوجوان کمتر از سایر خانواده‌ها باشد. نتایج بدست آمده از تحقیق دقیقاً با چارچوب نظری مقاله‌ی ارائه شده انطباق داشته که نشان می‌دهد بین تحصیلات و دینداری رابطه‌ی منفی وجود دارد. حتی در بالاترین سطوح تحصیلی والدین، دینداری فرزندان نوجوان آن‌ها نسبتاً قوی و بالاتر از متوسط نظری مقیاس دینداری بوده است.

نیکخواه (۱۳۷۹)، در پژوهشی تحت عنوان «سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (نمونه شهر شیراز)» به این نتیجه دست یافت که وسایل ارتباط‌جمعی شامل ماهواره و اینترنت تأثیر معناداری بر دینداری داشته‌اند. خانواده بیشترین تأثیر بر دینداری

را داشته است و بعد از آن متغیرهای مدرسه، عام‌گرایی و روحانیت مهم‌ترین متغیرها بوده‌اند.

رکنی (۱۳۸۲)، در تحقیقی با عنوان « بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اقلید » به نتایج زیر دست یافت: درآمد خانواده، میزان تحصیلات، شغل والدین، مذهبی بودن والدین، دوستان و نوع رشته‌ی تحصیلی با میزان نگرش مذهبی دانشجویان تأکید گردیده است. به عبارت دیگر بر خلاف ویژگی‌های فردی همچون: سن، جنس، تأهل، عوامل جمعی و گروهی (محیطی) به طور مؤثری با مذهبی بودن فرد مورد مطالعه رابطه داشته‌اند.

زائر (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان « دینداری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان قیر و کارزین » به این نتیجه دست یافت که، میانگین نمره‌ی دینداری دانش‌آموزان بالاتر از سطح متوسط طیف قرار دارد و التزام دینی آنها در بعد اعتقادی بیشتر از سایر ابعاد بوده ولی در بعد پیامدی دینداری که ناظر بر بکارگیری دین در زندگی است ضعیف‌تر از سایر ابعاد بوده است؛ همچنین رابطه‌ی دینداری با سن، جنس، والدین، درآمد خانواده و تدین دوستان مورد تأیید قرار گرفته است. ولی رابطه‌ی میان دینداری با محل سکونت، شغل والدین، نوع مسکن و عملکرد دبیر دینی مشاهده نشد.

یوسفی لویه (۱۳۸۶)، در پژوهشی تحت عنوان « تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان دوره‌ی روزانه‌ی دانشگاه‌های تهران » به نتایج زیر دست یافت: نگرش دینی دانشجویان در حد مطلوب (یعنی قوی و مثبت) است. از میان اجزای نگرش دینی بعد عاطفی، بعد آمادگی رفتاری، بعد انگیزشی و بعد شناختی به ترتیب بالاترین نمره‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. دانشجویانی که دروس معارف اسلامی (۱) و (۲) را گذرانده‌اند، نسبت به آنها که این دروس را نگذرانده‌اند، از نگرش دینی بالاتری برخوردارند؛ اما گذراندن یا نگذراندن سایر دروس معارف (اخلاق اسلامی، متون اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) تحت شرایط فعلی تأثیری بر افزایش یا کاهش نگرش دینی افراد نمونه ندارند.

بحری‌پور (۱۳۸۷)، در پژوهشی تحت عنوان « تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان » به نتایج زیر دست یافت که میانگین میزان پایبندی دانشجویان به هر یک از ابعاد چهارگانه دینداری (اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی) بر

اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی‌شان متفاوت است. بین منزلت شغلی پدر، درآمد سرانه خانوار و تحصیلات والدین، با میزان دینداری دانشجویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و بین متغیرهای زمینه‌ای جنس و سن با میزان دینداری دانشجویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، در حالیکه این رابطه بین متغیر زمینه‌ای وضعیت تأهل و میزان دینداری دانشجویان مشاهده نگردید.

کشاوری و جهانگیری (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز و نگرش‌های دینی آن‌ها» به این نتایج دست یافتند که، بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی تفاوت معناداری بین نگرش دینی دانشجویان وجود دارد. چنانکه بر اساس نوع دانشکده، نگرش دینی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی از دانشجویان مهندسی بالاتر بوده ضمن آن که نگرش دینی دانشجویان متأهل از دانشجویان مجرد بالاتر است. همچنین، بررسی رابطه‌ی بین مقطع تحصیلی و نگرش دینی نشان می‌دهد هر قدر مقطع تحصیلی افزایش می‌یابد، نگرش دینی دانشجویان رو به پایین میل می‌کند. بعلاوه، یافته‌های تحقیق رابطه‌ی مثبتی را بین متغیرهای جامعه‌پذیری مذهبی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با نگرش دینی نشان می‌دهد ضمن آنکه بین میزان مادی‌گرایی و نگرش دینی رابطه‌ی منفی وجود دارد. جهت سهولت بررسی متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بین ابعاد آن و نگرش دینی بررسی صورت گرفته که نتایج نشان داد بین شغل و تحصیلات پدر و مادر و نگرش دینی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد اما بین هزینه و درآمد و نگرش دینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نهایتاً برای تبیین متغیر وابسته از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده که نتایج نشان می‌دهد جهت تبیین متغیر وابسته، به ترتیب سه متغیر جامعه‌پذیری مذهبی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی و میزان هزینه، وارد معادله شده است. این سه متغیر در مجموع ۸۰/۰۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند.

ب) تحقیقات خارجی

پژوهش‌ها در جوامع دیگر نیز عموماً حاکی از آن هستند که ایمان و باور مذهبی، رفتار افراد را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. مور (۲۰۰۲)، در پژوهشی نشان داد که نوجوانان و جوانان مذهبی نسبت به همسالان خود در زندگی دچار آشفتگی کمتری

می‌شوند؛ همچنین آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی که به صورت منظم در مراسم مذهبی و نیایش شرکت می‌کنند، در زندگی روزمره با آسیب‌های کمتری از نظر اجتماعی و روانی مواجه گشته‌اند و در فعالیت‌های سازندگی بیشتر شرکت می‌کنند (سرمدی، ۱۳۸۵: ۸۶-۵۷).

از نظر هالامی و آرگایل متغیرهای زمینه‌ی اجتماعی و جمعیت‌شناختی (سن، جنس و ...) بر روی میزان ذهنی بودن افراد تأثیر گذارند و باید بعنوان با اهمیت‌ترین متغیرها در توجیه مذهبی بودن افراد مد نظر قرار گیرند. آن‌ها بیان می‌کنند با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که در زمینه‌ی مذهب صورت گرفته، افراد مذهبی از طبقات اجتماعی پایین‌تر، از زنان و از افراد ۵۰ سال به بالا بوده‌اند. البته در بین این عوامل؛ جنسیت، قوی‌ترین و گسترده‌ترین تأثیر را بر مذهبی بودن افراد داشته است. چنان‌که اثبات شده، زنان به طور متوسط از مردان مذهبی‌ترند (هالامی و آگایل، ۱۹۹۷).

فرانسیس و کارتر در تحقیقی که بر روی دانش‌آموزان در مدارس دینی و غیر دینی در انگلستان طی سال ۱۹۸۰ انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که رفتار مذهبی والدین دارای همبستگی مثبت (۴۹ درصد) با رفتارهای فرزندانشان است. هانس برگر و براون هم در سال ۱۹۸۴ دریافتند که آموزش مذهبی در خانواده به ویژه توسط مادر، تأثیر مستقیم و مثبتی بر روی مذهبی بودن بچه‌ها دارد (همان، ۱۹۹۷: ۹۹ به نقل از کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

گیبسون و دیگران (۱۹۹۰)، در تحقیق بر روی ۲۷۱۷ نفر از جوانان ۱۵-۱۴ ساله، نتیجه گرفتند که همبستگی بین حضور والدین در کلیسا با نگرش‌های فرزندان‌شان به مسیحیت به ترتیب ۴۰ و ۵۰ درصد و همبستگی حضور پدران و مادران در کلیسا با حضور فرزندان‌شان در کلیسا به ترتیب ۶۵ و ۵۶ درصد است (همان: ۱۰۰).

نقدی بر تحقیقات انجام شده قبلی

در بررسی بیشتر تحقیقاتی که پیرامون دین و دینداری انجام شده به چندین نکته‌ی مشترک میان همه‌ی آنها می‌توان پی برد که عبارتند از: بیشتر تحقیقات بر روی متغیرهای مشترکی مانند: سن، جنس، درآمد، تحصیلات و ... تمرکز داشتند. تحقیقاتی که در مورد دانش‌آموزان صورت گرفته بود، در بسیاری موارد عوامل درون آموزشی مانده: محتوی کتب بینش دینی، عملکرد معلم دینی و نیز عملکرد مدیریت آموزشگاه و ... بررسی شده

است و کمتر عوامل بیرونی را مد نظر قرار داده‌اند. این بررسی‌ها در مورد دین در جهان همیشه و در همه حال وجود داشته است، اما سایر کشورها در زمینه‌ی این پژوهش‌ها از ایران پیشی گرفته‌اند و کارها بیشتر میدانی بوده‌اند، در حالیکه کارهایی که در داخل کشور صورت گرفته از نظر میدانی نوپاست. تحولات علمی و پیشرفت صنعتی این تصور را ایجاد نمود که نیاز انسان به دین کاهش می‌یابد، در حالیکه نه تنها این نیاز کاهش نیافته بلکه میل به افزایش داشته است. مثلاً برخی از جوامع غربی که از نظر علمی بسیار پیشرفت کرده‌اند و تعدادی منتقدین آنها را جامعه‌ی سکولار می‌دانند، اما تحقیقات نشان داده است که مردم در این جوامع گرایش زیادی به خدا دارند. تحقیقات در ایران نشان می‌دهد که جوانان در بعد اعتقادی و عاطفی دین از نگرش بالایی برخوردارند، اما گرایش به بعد عملی یا مناسکی و پیامدی آن کمتر است. در اکثر تحقیقات نقش کارگزاران جامعه شامل، خانواده، مدرسه، دوستان و همسالان، پایگاه اجتماعی، رسانه‌ها و مساجد که در تحقیق بعنوان متغیرهای اثرگذار دیده شده‌اند، در تشکیل شخصیت و بعد دینی رفتار دانش‌آموزان دیده می‌شود. در بررسی تحقیقات خارجی اکثر پژوهش‌ها بر روی دانشجویان و سایر طبقات مختلف صورت گرفته بود و نمونه‌ی مشابهی که روی قشر دانش‌آموز صورت گرفته باشد یافت نشد.

فرضیات پژوهش

- ۱- بین استفاده‌ی مذهبی از وسایل ارتباط جمعی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شرایط اقتصادی خانواده‌ها (امکانات خانواده‌ها) و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین شرکت در مراسم و مناسبت‌های مذهبی و آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین وابستگی دانش‌آموزان به طبقات اجتماعی مختلف و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان تحصیلات والدین و آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

- ۶- بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (درآمد و بعد خانوار) و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین دیانت دوستان (الگوهای نقش) و نگرش دینی دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد.
- ۸- بین میزان نگرش دینی دانش‌آموزان بر حسب تأثیرگذاری نوع وسایل ارتباط جمعی، تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش: با توجه به موضوع مورد مطالعه، پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^۱ است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۲، از نظر وسعت پهنانگر^۳ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۴ است. در اجرای این پژوهش از دو روش مطالعه‌ی اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین مبانی نظری تحقیق به مطالعات انجام گرفته و نظریات صاحب‌نظرانی که به این موضوع پرداخته‌اند، مراجعه شد. واحد تحلیل نیز فرد است؛ همچنین میزان روایی^۵ متغیرهای پژوهش حاضر بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جامعه‌ی آماری، نمونه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان (دختر و پسر) مشغول به تحصیل مقطع متوسطه شهر سوسنگرد در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بوده که جمعاً برابر با ۲۷۵۴ نفر بوده است. از این تعداد ۱۴۵۵ دانش‌آموز پسر و ۱۲۹۹ دانش‌آموز دختر می‌باشند که در ۱۳ آموزشگاه مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و جدول نمونه مقتضی بر حسب دقت و میزان همگنی جمعیت و در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۲۹۰ بدست آمد.

داده‌های جمع‌آوری شده پس از کدگذاری وارد کامپیوتر شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت windows کار استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها شروع شد. روش‌های آماری مورد استفاده متناسب با سطح سنجش متغیرهای تحقیق شامل، آزمون T -test، تحلیل واریانس یک‌راهه و ضریب همبستگی پیرسون بوده است.

¹ survey

² applied

³ extensive

⁴ cross-sectional

⁵ reliability

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

بطور کلی، ۳۱/۱ درصد از پدران دانش‌آموزان، بیسواد، ۲۴/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱/۸ درصد سیکل، ۵/۵ درصد فوق دیپلم، ۹/۷ درصد لیسانس و تنها ۲/۴ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بودند؛ همچنین، ۲۴/۹ درصد از مادران دانش‌آموزان، بیسواد، ۳۰/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۰/۸ درصد سیکل، ۹/۷ درصد دیپلم، ۴/۸ درصد فوق دیپلم، و ۵/۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس بودند.

میزان درآمد ۲۰/۴ درصد از خانواده‌ها کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۲۹/۱ درصد بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۱۴/۵ درصد بین ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۱۰/۷ درصد از ۴۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۳۱ درصد از ۵۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان، و ۴۲/۲ درصد بیشتر از ۶۰۱ هزار تومان در ماه درآمد دارند. به طور کلی ۲/۱ درصد از خانواده‌های دانش‌آموزان از لحاظ بعد خانوار ۳ نفر، ۱۴/۹ درصد دارای بعد خانوار ۴ نفر، ۲۸/۸ درصد ۵ نفر، ۵۴/۲ درصد ۶ نفر و بالاتر هستند. در مجموع، شغل ۲۴/۶ درصد از پدران دانش‌آموزان، کارمندی است، ۵۴/۳ درصد آزاد، ۱۵/۲ درصد کارگر، ۱/۷ درصد بیکار هستند.

همچنین، شغل ۸/۳ درصد از مادران دانش‌آموزان کارمندی است، ۲/۱ درصد آزاد، ۸۷/۲ درصد خانه‌دار و ۰/۳ درصد بیکار هستند. به طور کلی ۸۷/۵ درصد از خانواده‌های دانش‌آموزان به لحاظ امکانات دارای خانه‌ی شخصی هستند، ۰/۹ درصد دارای خانه با اجار و رهن، ۵۵/۷ درصد صاحب ماشین شخصی و ۲۱/۸ درصد نیز دارای مغازه‌ی کسب و کار هستند.

یافته‌های حاصل از توزیع پاسخها در میان پاسخگویان حاکی از آنست که، در مجموع ۶۹/۹ درصد از دانش‌آموزان (پسر و دختر) کمتر از ۳۰ دقیقه در طول شبانه‌روز از رسانه‌ها استفاده می‌کنند، ۹/۳ درصد بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه، ۵/۲ درصد یک تا دو ساعت و ۰/۳ درصد دو تا سه ساعت و تنها ۱ درصد بیش از سه ساعت در طول شبانه‌روز از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. ۵۶/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ دقیقه در طول شبانه‌روز از رادیو استفاده می‌کنند، ۱۴/۵ درصد بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه، ۵/۲ درصد بین یک تا دو ساعت، ۱ درصد بین دو تا سه ساعت و ۳/۱ درصد بیش از سه ساعت در طول شبانه‌روز از رادیو استفاده می‌کنند.

همچنین ۳۰/۴ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ دقیقه در طول شبانه‌روز از ماهواره استفاده می‌کنند، ۵/۲ درصد بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه، ۵/۲ درصد از یک تا دو ساعت، ۳/۵ درصد از دو تا سه ساعت و ۷/۳ درصد بیش از ۳ ساعت در طول شبانه‌روز از ماهواره استفاده می‌کنند. ۵/۹ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ دقیقه در طول شبانه‌روز از تلویزیون استفاده می‌کنند، ۶/۹ درصد بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه، ۱۷/۳ درصد بین یک تا دو ساعت، ۲۰/۸ درصد بین دو تا سه ساعت و ۴۸/۴ درصد بیش از سه ساعت در طول شبانه‌روز از تلویزیون استفاده می‌کنند. ۳۶ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ دقیقه از اینترنت استفاده می‌کنند، ۱۷/۳ درصد بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه، ۱۱/۱ درصد بین یک تا دو ساعت، ۲/۸ درصد بین دو تا سه ساعت و ۷/۳ درصد از آنان بیش از سه ساعت در طول شبانه‌روز از اینترنت استفاده می‌کنند.

یافته‌ها نشان داد که بطور کلی، ۴۵/۷ درصد از دانش‌آموزان معتقدند که رسانه‌ها اصلاً نقشی در مذهبی شدن دانش‌آموزان ندارد، ۲۵/۶ درصد به طور کم معتقدند که رسانه‌ها نقشی در مذهبی شدن دانش‌آموزان دارد، ۱۵/۶ درصد از آنان به طور متوسط با این عبارت موافق‌اند، ۲/۸ درصد به طور زیاد موافق‌اند که رسانه‌ها در مذهبی شدن دانش‌آموزان نقش دارد و تنها ۳/۵ درصد معتقدند که رسانه‌ها نقش خیلی زیادی در مذهبی شدن دانش‌آموزان دارد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، ۱۶/۳ درصد از پاسخگویان اصلاً از برنامه‌های مذهبی استفاده نمی‌کنند، ۲۴/۹ درصد از آنان به میزان کمی از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند، ۳۸/۸ درصد به طور متوسط، ۱۳/۵ درصد به میزان زیاد از برنامه‌های مذهبی استفاده می‌کنند و تنها ۶/۶ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند. در مجموع ۱۱/۴ درصد از پاسخگویان اصلاً به مطالب رسانه‌ها در زمینه‌ی مذهبی شدن دانش‌آموز اعتماد ندارند، ۳۰/۱ درصد به میزان کم اعتماد دارند، ۲۹/۱ درصد به میزان متوسط، ۲۱/۱ درصد به میزان زیاد و تنها ۰/۸ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد اعتماد دارند.

۱۲/۸ درصد از دانش‌آموزان اصلاً در مسجد محل و یا مدرسه‌شان شرکت نمی‌کنند، ۲۲/۱ درصد به میزان کم شرکت می‌کنند، ۲۷/۷ درصد به میزان متوسط، ۲۲/۸ درصد به میزان زیاد و تنها ۱۳/۵ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد به مسجد می‌روند. ۱۹ درصد از آنان اصلاً به کلاس‌های قرآنی یا احکام دینی نمی‌روند، ۴۳/۳ درصد به میزان کم، ۲۷/۷

درصد به میزان متوسط، ۱۱/۸ درصد به میزان زیاد و تنها ۶/۲ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد به این کلاس‌ها می‌روند. ۱۴/۵ درصد از آنان اصلاً در هیئت‌های مذهبی و دینی شرکت نمی‌کنند، ۲۵/۳ درصد به میزان کم، ۲۶ درصد به میزان متوسط، ۲۱/۱ درصد به میزان زیاد و ۹/۷ درصد به میزان خیلی زیاد در این مراسم شرکت می‌کنند. یافته‌ها نشان داد، در مجموع ۱۲/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند اصلاً دوستانشان نقشی در آگاهی دینی آن‌ها نداشته‌اند، ۲۲/۱ درصد به میزان کمی به آگاهی بخشی دوستانشان اعتقاد دارند، ۲۷/۷ درصد به میزان متوسط، ۲۲/۸ درصد به میزان زیاد و تنها ۱۳/۵ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد معتقدند که دوستانشان در آگاهی دینی آن‌ها نقش داشتند. ۱۹ درصد از پاسخگویان معتقدند که دوستانشان اصلاً مخالف بی‌حجابی نیستند، ۴۳/۳ درصد کم، ۲۷/۷ درصد به میزان متوسط، ۱۱/۸ درصد به میزان زیاد و تنها ۶/۲ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد معتقدند که دوستانشان مخالف بی‌حجابی‌اند. ۱۲/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که دوستانشان اصلاً واجبات دینی‌شان را انجام نمی‌دهند، ۲۲/۱ درصد به میزان با این عبارتند موافقت، ۲۷/۷ درصد به میزان متوسط، ۲۲/۸ درصد به میزان زیاد و تنها ۱۳/۵ درصد از آنان به میزان خیلی زیاد معتقدند که دوستانشان واجبات دینی‌شان را انجام نمی‌دهند. ۱۹ درصد از پاسخگویان معتقدند که دوستانشان اصلاً در مناسبت‌های دینی شرکت نمی‌کنند، ۴۳/۳ درصد به میزان کم، ۲۷/۷ درصد به میزان متوسط، ۱۱/۸ درصد به میزان زیاد و ۶/۲ درصد از آنان معتقدند که دوستانشان در مناسبت‌های دینی شرکت می‌کنند.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های بعد رفتاری نگرش دینی دانش‌آموزان

جمله	مقولات	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مقید بودن به نماز	پسران	۶	۱۸	۲۶	۴۴	۶۸
	دختران	۲	۸	۱۲	۳۰	۷۲
	درصد	۳/۱	۹	۱۳/۱	۲۵/۶	۴۹
مقید بودن به روزه	پسران	۶	۱۹	۳۴	۴۳	۶۰
	دختران	۳	۱۱	۱۵	۳۴	۶۱
	درصد	۳/۱	۱۰/۴	۱۷/۴	۲۷/۱	۴۲
خواندن کتب مذهبی	پسران	۹	۲۱	۳۹	۴۷	۴۶
	دختران	۲	۱۸	۲۸	۳۲	۴۴
	درصد	۳/۸	۱۳/۹	۲۳/۳	۲۷/۴	۳۱/۶
شرکت در مراسم و مناسبت‌های مذهبی	پسران	۱۵	۲۸	۲۸	۵۰	۴۱
	دختران	۱۲	۲۷	۳۴	۲۶	۲۵
	درصد	۹/۴	۱۹/۱	۲۱/۵	۲۶/۷	۲۳/۳
میزان هزینه کردن از ثروت خود برای کمک به هم‌نوع	پسران	۴	۳۴	۷۳	۴۷	۴
	دختران	۱	۲۲	۵۷	۴۳	۱

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های بعد احساسی نگرش دینی دانش‌آموزان

بعد احساسی	مقولات	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظر	موافقم	کاملاً موافقم
عبادت خدا بالاترین لذات زندگی	پسران	۷	۶	۱۴	۴۲	۹۳
	دختران	۱	۴	۶	۲۰	۹۲
	درصد	۲/۸	۳/۵	۷/۳	۲۱/۶	۶۴/۸
وجود موارد مهم‌تر از مذهب	پسران	۲۱	۲۹	۵۰	۳۹	۲۳
	دختران	۱۹	۳۱	۲۰	۳۹	۱۵
	درصد	۱۴/۲	۲۰/۸	۲۴/۳	۲۷/۱	۱۳/۵
مذهب باعث گسترش خرافات در ذهن	پسران	۵۱	۳۲	۴۱	۲۸	۱۰
	دختران	۴۲	۳۸	۲۵	۱۲	۴
	درصد	۳۳/۳	۲۴/۶	۲۳/۲	۱۴	۴/۹
پاسخگو بودن مذهب به سئوالات زندگی	پسران	۸	۱۷	۲۴	۶۴	۴۵
	دختران	۳	۱۵	۱۳	۵۱	۳۷
	درصد	۴/۳	۱۱/۵	۱۳/۳	۴۱/۶	۲۹/۴

ادامه‌ی جدول ۲

۲۱	۵۱	۳۳	۳۲	۲۴	پسران	خوب بودن جدای از مذهبی بودن
۱۹	۳۸	۱۸	۲۵	۲۴	دختران	
۱۳/۹	۳۱	۱۷/۸	۱۹/۹	۱۷/۴	درصد	
۵۹	۵۱	۲۳	۱۹	۱۰	پسران	نیاز به دعا و توسل در همه‌ی امور زندگی
۷۲	۳۴	۵	۱۳	۰	دختران	
۴۵/۵	۲۹/۹	۱۰/۱	۱۱/۱	۳/۵	درصد	

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های بعد ذهنی نگرش دینی دانش‌آموزان

بعد ذهنی	جنسیت	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
میزان آگاهی از احکام نماز	پسران	۷	۲۰	۵۹	۵۲	۲۱
	دختران	۲	۱۵	۴۲	۳۹	۲۱
	درصد	۳/۶	۱۲/۵	۳۶/۴	۳۲/۵	۱۵
میزان آگاهی از احکام روزه	پسران	۱	۲۷	۵۲	۵۵	۲۵
	دختران	۱	۱۵	۳۵	۴۷	۲۱
	درصد	۰/۷	۱۴/۹	۳۱/۷	۳۶/۶	۱۶/۴
میزان آشنایی با قواعد قرائت قرآن	پسران	۴	۳۷	۵۵	۴۷	۱۶
	دختران	۲	۲۷	۴۶	۲۲	۲۱
	درصد	۲/۵	۲۲/۹	۳۶/۶	۲۴/۷	۱۳/۳
میزان آگاهی مربوط به خمس و زکات	پسران	۲۴	۴۱	۵۱	۲۸	۱۶
	دختران	۱۶	۴۲	۴۶	۱۱	۴
	درصد	۱۴/۶	۲۹/۵	۳۴/۹	۱۳/۹	۷/۱

(ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه‌ی ۱: بین استفاده‌ی مذهبی از وسایل ارتباط‌جمعی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و رسانه‌ها

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
نقش رسانه‌ها در مذهب و نگرش دینی	۰/۴۰۷	*۰/۰۰۱	۱۶/۵۶

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین نقش رسانه‌ها در مذهب و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۴۰۷ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرضیه‌ی اول در سطح (۰/۰۱) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین نقش رسانه‌ها در مذهب و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۱۶/۵۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل نقش رسانه‌ها در مذهب است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش نقش رسانه‌ها در مذهب، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۲: بین شرایط اقتصادی خانواده‌ها (امکانات خانواده‌ها) و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و میزان امکانات خانواده دانش‌آموز

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
نگرش دینی و میزان امکانات	۰/۰۴۱	۰/۶۲۰	-

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین میزان امکانات خانواده و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۰۴۱ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد ($P > 0/05$)؛ لذا فرضیه‌ی دوم در سطح (۰/۰۵) رد می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین میزان امکانات خانواده و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه‌ی ۳: بین میزان شرکت در مراسم مذهبی و نگرش دینی دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و شرکت در مراسم مذهبی

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
شرکت در مراسم مذهبی و نگرش دینی	۰/۵۹۳	**۰/۰۰۱	۳۵/۱۶

همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین میزان شرکت در مراسم مذهبی و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۵۹۳ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرض سوم در سطح (۰/۰۱) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین میزان شرکت در مراسم مذهبی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۳۵/۱۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل میزان شرکت در مراسم مذهبی است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش میزان شرکت در مراسم مذهبی، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۴: بین طبقه‌ی اجتماعی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و طبقه‌ی اجتماعی

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
نگرش دینی و طبقه‌ی اجتماعی	-۰/۱۳۵	۰/۰۵	۱/۸۲

همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین میزان طبقه‌ی اجتماعی و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۱۳۵ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرضیه‌ی چهارم در سطح (۰/۰۵) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین طبقات اجتماعی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، ۱/۸۲ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل طبقه‌ی اجتماعی خانواده است. با توجه به منفی بودن می‌توان گفت با افزایش طبقه‌ی اجتماعی خانواده، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۵: بین میزان تحصیلات والدین و آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۸: ضریب همبستگی بین نگرش دینی و تحصیلات والدین

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی داری	میزان اشتراک به درصد
نگرش دینی و تحصیلات پدر	-۰/۱۹۱	**۰/۰۰۳	۳/۶۵
نگرش دینی و تحصیلات مادر	-۰/۲۶۳	**۰/۰۰۱	۶/۹۲
نگرش دینی و تحصیلات والدین	-۰/۲۶۰	**۰/۰۰۱	۶/۷۶

همان طور که در جدول ۸ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین نگرش دینی و تحصیلات پدر دانش‌آموزان $-0/191$ می‌باشد. این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرضیه‌ی پنجم در سطح $(0/01)$ تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین نگرش دینی و تحصیلات پدر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۳/۶۵ درصد واریانس نگرش دینی، ناشی از عوامل تحصیلات پدر است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش تحصیلات پدر، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

همچنین، ضریب همبستگی بین نگرش دینی و تحصیلات مادر دانش‌آموزان $-0/263$ می‌باشد که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرضیه‌ی پنجم در سطح $(0/01)$ تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین نگرش دینی و تحصیلات مادر، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۶/۹۲ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل تحصیلات مادر است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش تحصیلات مادر، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

بطور کلی، ضریب همبستگی بین نگرش دینی و تحصیلات والدین دانش‌آموزان $-0/260$ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا در مجموع، فرضیه‌ی پنجم در سطح $(0/01)$ تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین نگرش دینی و تحصیلات والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۶/۷۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عوامل تحصیلات والدین است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش تحصیلات والدین، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

فرضیه ۶: بین درآمد و تعداد اعضای خانوار و نگرش‌های دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۹: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و میزان درآمد و بعد خانوار

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
نگرش دینی و میزان درآمد	۰/۲۵۱	**۰/۰۰۱	۶/۳
نگرش دینی و تعداد اعضای خانواده	۰/۱۸۷	**۰/۰۰۳	۳/۵

همان‌طور که در جدول ۹ نشان داده شده است، ضریب همبستگی بین میزان درآمد و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۲۵۱- می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < ۰/۰۱$)؛ لذا فرض ششم در سطح (۰/۰۱) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین میزان درآمد و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۶/۳ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل میزان درآمد خانواده است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش درآمد خانواده نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد؛ همچنین، ضریب همبستگی بین تعداد اعضای خانواده و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۱۸۷ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < ۰/۰۱$)؛ لذا فرض ششم در سطح (۰/۰۱) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین تعداد اعضای خانواده و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۳/۵ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل تعداد اعضای خانواده است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش تعداد اعضای خانواده نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۷: بین دیانت دوستان (الگوهای نقش) و نگرش دینی دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین نگرش دینی و دیانت دوستان

متغیرهای پژوهش	ضریب همبستگی	معنی‌داری	میزان اشتراک به درصد
نگرش دینی و دیانت دوستان	۰/۵۷۱	**۰/۰۰۱	۳۲/۶

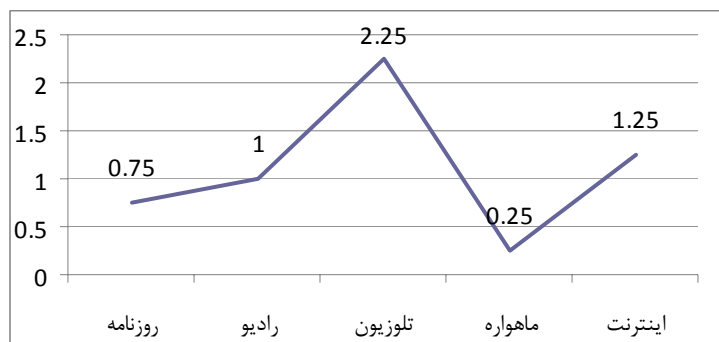
ضریب همبستگی بین دیانت دوستان و نگرش دینی دانش‌آموزان ۰/۵۷۱ می‌باشد، که این میزان از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$)؛ لذا فرض هفتم در سطح (۰/۰۱) تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین دیانت دوستان و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، ۳۲/۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان، ناشی از عامل دیانت دوستان است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش دیانت دوستان، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۸: بین میزان تأثیرگذاری انواع رسانه‌ها بر نگرش دینی تفاوت وجود دارد.

جدول ۱۱: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه‌ی متغیرهای پژوهش در رابطه با انواع رسانه

متغیرهای پژوهش	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
انواع رسانه‌ها	۵۷۷/۲۱۸	۴	۱۴۴/۳۰۴	۱۰۶/۵۳۲	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۱۱ نشان داده شده است، تفاوت معنی‌داری بین تأثیر انواع رسانه‌ها (روزنامه، تلویزیون، ماهواره و اینترنت) بر نگرش دینی وجود دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد بین میزان تأثیرگذاری هر رسانه بر نگرش دینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این نتایج در شکل ۲ نشان داده شده است و فرضیه‌ی هشتم تأیید می‌گردد.



شکل ۲: مقایسه‌ی میانگین تعدیل شده نقش انواع رسانه در نگرش دینی

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد بین اثرگذاری تلویزیون بر نگرش دینی با سایر رسانه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین رادیو و ماهواره و در نهایت بین رسانه‌ی اینترنت و ماهواره تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در سایر موارد تفاوت معنی‌داری در میزان تأثیر ملاحظه نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در ایران نهاد دین است. این نهاد علاوه بر استحکام و تثبیت ذهنیت و گرایش‌های عمومی جامعه دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیر مستقیم در سایر حوزه‌های حیات اجتماعی ایرانیان از جمله: فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و ... است.

یکی از عرصه‌های مهمی که حضور دین را تجربه نموده است نظام آموزشی کشور ایران است که وظیفه‌ی تربیت دینی نوجوانان و جوانان را بر عهده دارد. بخش مهمی از ارزش‌هایی که در جامعه‌ی ما رایج است، ارزش‌های دینی است. مفاهیمی که در تمام زوایای جامعه و زندگی فردی و جمعی افراد رسوخ و نفوذ دارد. طبقات مختلف اجتماعی و اقشار جامعه به روش‌های متنوع و متکثری با این آموزه‌ها برخورد می‌کنند و آن‌ها را نهادینه می‌نمایند. دانش‌آموزان هم که بخشی از طبقات اجتماعی هستند، به طور مرتب با آموزه‌های دینی سر و کار دارند. جامعه‌پذیری آنان هم از همین کانال صورت می‌گیرد؛ بنابراین تربیت صحیح دینی مستلزم شناخت درست متولیان و مسئولین از دین و ابعاد آن است. اگر این ابعاد و گرایش‌ها به صورت صحیح از طریق مربیان منتقل گردد، قطعاً تعارض در رفتار آنان به حداقل می‌رسد. چرا که دوگانگی الگویی از مهم‌ترین خطرات مسیر تربیت دانش‌آموزان است.

تضاد روانی به دنبال تضاد الگویی حاصل می‌شود؛ بنابراین تلاش برای یافتن گرایش‌ها و باورهای دینی دانش‌آموزان بر روی رفتارهای آنان تأثیر مهمی خواهد داشت و همین امر موجب تسریع در برنامه‌ریزی صحیح آموزشی از طرف مسئولان در جهت بهبود نگرش دانش‌آموزان خواهد گردید. بنابر تحلیل‌های نظری، در جوامع در حال گذار (از جمله ایران) دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای است؛ و از سویی چون شناخت علمی و درستی در این زمینه وجود ندارد، محقق در پژوهش حاضر با هدف تعیین و تشخیص چگونگی نگرش‌های دینی دانش‌آموزان مقطع

متوسطه‌ی شهر سوسنگرد، به دنبال بررسی علمی آن است. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: نگرش‌های دینی دانش‌آموزان چگونه است و عوامل مؤثر بر آن کدامند؟ عوامل اجتماعی چه نقشی در شکل‌گیری و جهت‌دهی نگرش‌های دینی دانش‌آموزان دارند؟ میزان اثرگذاری هر کدام چقدر است؟

به همین منظور، ابتدا مطالعات انجام شده پیرامون نگرش دینی مورد بررسی قرار گرفت و سپس نظریات مرتبط با تحقیق بررسی شد. چارچوب نظری تحقیق، تلفیقی از نظریات وبر، هالامی و آرگایل است که به ارتباط بین عواملی نظیر طبقه‌ی اجتماعی، استفاده‌ی مذهبی از وسایل ارتباط‌جمعی، گروه همسالان (الگوی نقش)، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با نگرش دینی تأکید دارد. متغیرهای مستقل تحقیق شامل استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، شرایط اقتصادی خانواده‌ها، شرکت در مراسم و مناسبت‌های مذهبی، وابستگی دانش‌آموز به طبقات اجتماعی، میزان تحصیلات والدین، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (درآمد و بعد خانوار)، دیانت دوستان و میزان استفاده از انواع رسانه‌ها و متغیر وابسته شامل نگرش دینی بوده که از ترکیب سه شاخص نگرش رفتار دینی، احساسی و شناختی بدست آمده است.

نتایج نشان داد از میان ابعاد نگرش دینی در بین دانش‌آموزان بعد احساسی با میزان ۱۵/۸۹ بالاتر از سایر ابعاد، پس از آن بعد رفتاری با میانگین ۱۳/۱۹ و در مرحله‌ی آخر، بعد ذهنی با میانگین ۱۱/۷۸ قرار دارد. نتایج بررسی روابط دو متغیره نشان داد که بین نقش رسانه‌ها در مذهب و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ۱۶/۵۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل نقش رسانه‌ها در مذهب است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی می‌توان گفت با افزایش نقش رسانه‌ها در مذهب، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیق نیک‌خواه (۱۳۸۳)، ناهمخوان است. در این پژوهش به تأثیر منفی ماهواره و اینترنت بر دینداری اشاره شده است و با یافته‌های پژوهش کشاورز و جهانگیری (۱۳۸۹)، همخوان است.

در مجموع می‌توان بیان کرد که رسانه جنبه‌ی کمکی دارد بدین معنی که اگر فردی دارای نگرش دینی باشد رسانه در جهت تقویت آن عمل می‌نماید. این در حالی است در

صورت عدم وجود نگرش دینی، رسانه تأثیر معنی‌داری ندارد. جهت اظهار نظر دقیق‌تر لازم است پژوهش‌های دیگری در این زمینه تبیین و مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون مربوط به فرضیه‌ی دوم نشان داد که بین میزان امکانات خانواده نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد؛ همچنین نتایج حاکی از آن است که بین میزان شرکت در مراسم مذهبی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ۳۵/۱۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل میزان شرکت در مراسم مذهبی است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی می‌توان گفت با افزایش میزان شرکت در مراسم مذهبی، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد که با یافته‌های پژوهش مور (۲۰۰۲) و گبیسون (۱۹۹۹)، همخوان است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد مراسم‌های مذهبی در ایران تأثیر مهمی بر نگرش دینی افراد دارند. مخصوصاً این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که دین ارزش زیادی برای شرکت در این مراسم‌ها قائل شده است و لازم است این تأثیر روحانی و روانی بیشتر در تحقیقات مورد توجه و بحث قرار گیرد.

بین وابستگی به طبقات مختلف اجتماعی و آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان گفت ۱/۸۲ از آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل وابستگی به طبقات اجتماعی است که برخلاف یافته‌های پژوهش هالامی و آرگایل (۱۹۹۷) است.

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین نگرش دینی و تحصیلات والدین رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ۶/۷۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل تحصیلات والدین است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی می‌توان گفت با افزایش تحصیلات والدین، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش بحری‌پور (۱۳۷۸)، طالبان (۱۳۷۸)، رکنی (۱۳۸۲) همخوان است و البته برخلاف یافته‌های پژوهش کشاورز و جهانگیری (۱۳۸۹) است. در این پژوهش‌ها به این نتیجه دست یافتند که سطح تحصیلات پدر می‌تواند عامل مهمی در تفاوت گرایش‌های مذهبی دانش‌آموزان باشد. بین دانش‌آموزان دارای پدر با تحصیلات لیسانس، فوق لیسانس و فوق دیپلم با دانش‌آموزان پدر با تحصیلات دیپلم، سیکل و

بیسواد در عامل نگرش مذهبی تفاوت معناداری وجود داشته است؛ همچنین مشخص شد که بین تحصیلات والدین با میزان دینداری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که نتیجه جای بسی تأمل و تعمق دارد. در این یافته باید دنبال عامل سومی گشت که بتوان عامل تحصیلات و عامل نگرش مذهبی با آن را در ارتباط و قابل تفسیر باشد.

بین میزان درآمد و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ۶/۳ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل میزان درآمد خانواده است. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی، می‌توان گفت با افزایش درآمد خانواده، نگرش دینی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد که با یافته‌های پژوهش کشاورز و جهانگیری (۱۳۸۹)، رکنی (۱۳۸۲)، زائر (۱۳۸۲) و بحری‌پور (۱۳۸۷) همخوان است.

بین دیانت دوستان و نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. رابطه‌ی فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ۳۲/۶ درصد واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان ناشی از عامل دیانت دوستان است. با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی می‌توان گفت با افزایش دیانت دوستان، نگرش دینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌ها پژوهش زائر (۱۳۸۲)، مبنی بر رابطه‌ی دینداری با سن، جنس، والدین، درآمد خانواده و تدین دوستان هماهنگ است. هر چه دوستان مقیدتر باشند بعلت تأثیرپذیری زیاد نوجوان از همسالان، دانش‌آموزان نیز مقیدتر به آموزه‌های دینی خواهند بود.

محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

این پژوهش صرفاً در سوسنگرد انجام شده است و لذا تعمیم نتایج به سایر مناطق باید با احتیاط صورت پذیرد. در این پژوهش، ارزیابی صرفاً در ارتباط با دانش‌آموزان صورت گرفته است؛ لذا تعمیم نتایج به سایر اقشار مردم باید با احتیاط صورت پذیرد. پژوهش مشابهی در این زمینه و با توجه به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش یافت نگردید تا این پژوهش را بصورت کامل مورد بررسی قرار دهد.

نگرش دینی با توجه به حساسیتی که در مردم ایران وجود دارد. احتمال اغراق در دینداری مطرح است.

فهرست منابع:

- بحری پور، مجتبی (۱۳۸۷). تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۸۹). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، ویرایش اول، چاپ ششم، تهران: نشر مرنديز.
- رکني، محمدباقر (۱۳۸۲). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اقلید، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد دهقان.
- زائر، عبدالله (۱۳۸۲). دینداری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان شهرستان قیر و کارزین، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد دهقان.
- سرمدی، محمود (۱۳۸۵). "بررسی رابطه‌ی میان دینداری با بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان متوسطه‌ی شهر قم"، پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره‌ی ۲.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸). "رابطه‌ی دینداری و بزهکاری نوجوانان تهرانی"، نمایه پژوهش، شماره‌ی ۷.
- کشاوری، امراه و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۹). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و نگرش دینی آن‌ها"، فصلنامه‌ی تخصصی جامعه‌شناختی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲.
- نیکخواه، هدایت‌الله (۱۳۷۹). سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (نمونه شهر شیراز)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.

Hallahmi B. & M. Argle (1997). The psychology of Religious Behavior, Belief & experience. London, by Routledge.

Swatos, W. (1998). Encyclopedia of religion and society. JR Edditor, Altamira Press.